



ایران را برای همه می‌خواهیم

محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور درباره اولویت‌های معاونت اجرایی ریاست‌جمهوری، گفت: «اولویت ما نگاهی است که آقای پزشک‌کیان دارد. دولت ما دولت وفای ملی و انسجام با رویکردهای جدید و خردمندانه و استفاده از دانشمندان و نخبگان در اداره امور کشور است همان‌طور که در ابلاغ آقای پزشک‌کیان آمده است، نهاد ریاست‌جمهوری و معاونت اجرایی با نگاه به چشم‌انداز، سیاست‌های کلی قانون برنامه، وظایف خود را انجام می‌دهد.» او ادامه داد: «نگاه ما به همه مردم در سراسر کشور یکسان است و ایران را برای همه می‌خواهیم. همه ایران باید در دولت با گرایش‌ها و نگاه‌های مختلف، نقش داشته باشند. کابینه دولت متشکل از همه گرایش‌های فکری خواهد بود. ما باید ۸۵ میلیون ایرانی با نگاه‌ها، قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و مناطق مختلف را نمایندگی کنیم. در نهاد ریاست‌جمهوری، قطعاً نیاز است که اساس کار را بر رضایت‌مندی بگذاریم. بر اساس سیاست‌های کلی، حفظ کرامت انسان‌ها و احترام به حقوق مردم، اهمیت دارد.»



صدای اسب زین‌شده در می‌آید

احمد انارکی، نماینده مجلس دوازدهم در گفت‌وگو با ایلنا درباره اینکه گفته می‌شود دولت قبل یک اسب زین‌کرده را به پزشک‌کیان تحویل داد، گفت: «اسب زین‌شده چندوقت دیگر صدایش درمی‌آید. متأسفانه مشاهده می‌کنیم درباره مسائل تند تند آمار می‌دهند، اما زمانی که شما می‌روید و بررسی می‌کنید، می‌بینید اصلاً شدنی نیست. مگر یک‌شبه می‌شود برخی از کارها را انجام داد.» او ادامه داد: «الان مشاهده می‌کنید حتی طرح‌ها را با ۷۰ درصد پیشرفت هم افتتاح کردند که تا ۲ سال دیگر هم به اتمام نمی‌رسد، از این موارد هم زیاد داریم. این که بیایم هفته آخر طرح‌هایی را افتتاح کنیم که نمی‌شود. اگر آماده بود قبلاً این کار را می‌کردند مگر می‌شود یک‌شبه این همه طرح را آماده و افتتاح کرد و داد دست مردم؟ از همین رو من فکر می‌کنم عیار اسب زین‌شده در آینده نزدیک معلوم و مشخص می‌شود.»



نیاز مند کمک نخبگان هستیم

محمدباقر ذوالقدر، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوره دانش‌افزایی و توانمندسازی مسئولین و اعضای شورای بسیج اساتید کشور گفت: «سیاست‌های کلی کشور به‌عنوان چارچوب حکمرانی بر اساس ارزش‌های دینی و با نگاه به مصالح کشور، هدایت و راهبری امور اجرایی کشور را به عهده دارند و همه نهادها موظف به پایبندی به آن‌ها هستند.» او ادامه داد: «این سیاست‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصادی، زیربنایی، علمی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی تدوین شده‌اند و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها نیز بر عهده مجمع تشخیص مصلحت قرار دارد. امروز نیاز به مشارکت نخبگان در تبیین و گفتمان‌سازی سیاست‌های کلی کشور است زیرا برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده، همکاری نزدیک میان نهادهای مختلف و استفاده از ظرفیت‌های علمی و فکری ضروری است.»



تحلیل عباس عبدی و حسین قاضیان از دستاوردهای انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم/بخش نخست

تغییر آگاهانه رویکرد حاکمیت

خود سیستم سعی می‌کند مشکلات خود را حل کند اما شخصاً اعتقاد داشتم چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. یکدست‌سازی یک فرایند پایان‌ناپذیر است و خیال می‌کنند اصلاح‌طلب‌ها را بیرون کنند و یا دیگران را بیرون کنند، مسئله حل می‌شود، اما درگیری در بین خودشان به صورت پیوسته ادامه دارد چراکه یک فرایند پایان‌ناپذیر است و هیچ‌گاه نمی‌توان از طریق یکدست‌سازی یک دولت و حکومت یکدست ایجاد کرد. دلیل دوم این بود که فرضاً یکدست‌سازی هم صورت گرفت، اما مطلقاً نمی‌توانند دولت کارآمد درست کنند. برداشت من این بود که سیستم سیاسی ایران به بن‌بست خواهد رسید و در این هنگام دوره بیشتر ندارد، یا اینکه بن‌بست را تداوم دهد و یا این بار آگاهانه تصمیم بگیرد مسیر خود را ادامه دهد و شخصاً معتقد بودم احتمال دوم قوی‌تر است. این بن‌بست به نظر من برای سیستم سیاسی ایران مشهود بود و انتخابات ۱۴۰۲ یک ضربه پایانی به ذهنیت نادرست یکدست‌سازی بود مبنی بر اینکه با یکدست‌سازی نمی‌شود مملکت را اداره کرد و انتخابات در تهران با مشارکت حدوداً ۱۰ درصدی یکدست‌سازی حکومت را بگیریم هم نمی‌توانیم داشت. بنابراین به نظر من سیستم سیاسی ایران بعد از اسفند ۱۴۰۲ به این نتیجه رسیده بود که باید تغییری در سیاست انتخاباتی خود ایجاد کند و فضا را به گذشته بازگرداند، اما با این تفاوت که بر خلاف سال‌های ۷۶ و ۹۲ این بار آگاهانه این تصمیم را گرفته است. این تازه آغاز یک راه است و هیچ‌گارتی هم برای موفقیت آن وجود ندارد. تعداد قابل توجهی از مردم در انتخابات مشارکت نکردند؛ هر چند که در دور دوم بخش قابل توجهی از همان‌ها شرکت کردند اما هنوز هم تعداد کسانی که به ادامه این راه امید یا اعتمادی ندارند، خیلی زیاد هستند و بیش از آنکه ثبات‌یابداری برای جامعه به‌ارمغان‌یابود این افراد ناامید هستند. با این تفاوت که در گذشته اگر سیستم سیاسی ایران به صورت اشتباهی به انتخابات تن می‌داد و فکر می‌کرد خودش می‌تواند در انتخابات حضور داشته باشد و دیگران نباشند و از انتخابات هم سود ببرد، اما این بار کاملاً معکوس شد و در عین حال که آمادگی وجود داشت پزشک‌کیان با حضور سرمایه‌های قابل توجهی روی کار بیاید اما معکوس شد و خودش در انتخابات حاضر شد اما آن سرمایه‌های قابل توجهی که سیستم سیاسی ایران انتظار دارد روی کار نیامد.

حسین قاضیان: بگذارید اول ببینیم این انتخابات چه آورده‌ای برای ما داشته و بعد جای خودمان را مشخص کنیم. شورای نگهبان ۷ نفر را انتخاب کرد مردم به آن‌ها رای دهند، این ۷ نفر منظرانتخاباتی انجام دادند و در نهایت ۵ نفر در فضای انتخابات باقی ماندند. در دور اول ۶۰ درصد به هیچ‌کدام، ۱۷ درصد به آقای پزشک‌کیان و ۱۵ درصد به آقای جلیلی رای دادند. در دور دوم نیز تقریباً همین اتفاق تکرار شد، یعنی ۳ نفر با همدیگر رقابت کردند، آقای خانم هیچ‌کدام ۵۰ درصد رای به دست آورد، پزشک‌کیان ۲۷ درصد و جلیلی ۲۲ درصد. در سطح مشاهده رفتاری معنای این آزار یعنی محصولاتی که نظام سیاسی در بازار انتخابات عرضه کرده، خریداری پیدا نکرده و نیمی از واجدان حق رای گفتند که ما کالای شما را نمی‌خواهیم. الان دو



حسین قاضیان:
روی کار آمدن آقای پزشک‌کیان برای عده‌ای این تصور را به وجود آورد که حکومت می‌خواهد از یکدست‌سازی دست بردارد، اما گواه این مطلب نیست چراکه ایشان فرد خیلی متفاوتی از کسانی که تاکنون حکومت می‌کردند نیست و خود را اصلاح‌طلب نمی‌داند و ایده و زبان او نیز با اصلاح‌طلبان دهه هفتاد فرق کرده است

واقعیت روی زمین است، اول کسانی که رای ندادند (۵۰ درصد در دور دوم) و دوم گروهی که به آقای پزشک‌کیان رای دادند. صحنه بازی و کشمکش و جدال آینده بین این دو واقعیت است و باید دید چه نیروی سیاسی می‌تواند واقعیت روی زمین کسانی که رای ندادند را تصاحب کند و بگوید که این گروه به فلان دلایل رای ندادند. اگر چنین فرایندی رخ دهد و یک نیروی سیاسی و اجتماعی بتواند به این ۵۰ یا ۶۰ درصد معنایی بدهد و آن‌ها را معنا را خریداری کند، آن وقت این نیروی سیاسی صاحب این واقعیت ۶۰-۵۰ درصدی می‌شود. تاکنون چنین حرکتی را مشاهده نکردیم. از طرفی کسانی که از آقای پزشک‌کیان حمایت کردند باید نشان دهند که کارهایی که می‌خواستیم را انجام دادیم و از پس آن بر آمدیم. این گروه نیز در سمت دیگر بازی هستند. بنابراین تاکنون هیچ‌کدام از طرفین نشان ندادند و آینده تا حد زیادی این وضعیت را روشن می‌کند. اما حرف آقای عبدی این است که حکومت به سمت یکدست‌سازی رفته و حالا متوجه شده یکدست‌سازی مشکلات را حل نمی‌کند و یک فرایند بی‌پایان است و حالا می‌خواهد جلوی این یکدستی را بگیرد و بنابراین موقعیت مناسبی است. اما مناسب برای چه چیزی است؟ اگر مناسب برای حل مشکلات کشور است، معنی این است مشکلات کشور ناشی از یکدست‌سازی حکومت بوده و اگر دیگری (اصلاح‌طلبان) بتوانند وارد حکومت شوند، ممکن است این مشکل کم شود اما من چنین گمانی ندارم. چراکه مشکلات اساسی که در زمینه‌های اصلی حکمرانی ایجاد شده ناشی از سیاست یکدست‌سازی نیست، بلکه ناشی از یک سیاست عمده دیگری است که یکدست‌سازی یکی از تلاش‌ها برای این سیاست است. آن سیاست این بوده که ما به عنوان حکومتگران که وظیفه ایجاد رضایت برای مردم را داریم، اگر نتوانیم رضایت مردم را کسب کنیم هم جای خود را به کس دیگری نخواهیم داد و پای حکومت، کارگزاران آن، ساختار حقوقی آن به هر قیمتی که شده می‌ایستیم. بنابراین نارضایتی مردم و عدم مشارکت آن‌ها مهم نیست، اما با نارضایتی مردم چگونه این حکومت دوام پیدا خواهد کرد؟ وقتی که عده‌ای را پای حکومت خود نگه داریم و این در حالی است که عده‌ای ناراضی علیه حکومت بسیج شوند و در این حالت سر کار خود خواهیم ماند و این اتفاق رخ داده است. مردم فقیرتر شده‌اند، نابرابری بیشتر شده، امنیت اجتماعی، بهداشتی، سلامت، صلح و اجتماعی و... مردم تخریب شده و اگر قرار است یکدست‌سازی شود برای هدف حفظ حکومت به هر قیمتی انجام می‌شود. چرا یکدست‌سازی را انجام می‌دهیم؟ چرا که وفاداران خود را می‌خواهیم که از آن‌ها حمایت کنیم و انگیزه داشته باشند که پای حکومت بایستند و ما به عنوان اقلیت نتوانیم حکومت را ادامه دهیم. این ایده که یکدست‌سازی منشأ مشکلات بوده و حالا چون حکومت می‌خواهد از یکدست‌سازی دست بردارد، خلاف شواهد تجربی است و اولویت حکومت نیز متفاوت است. روی کار آمدن آقای پزشک‌کیان برای عده‌ای این تصور را به وجود آورد که حکومت می‌خواهد از یکدست‌سازی دست بردارد، اما گواه این مطلب نیست چراکه ایشان فرد خیلی متفاوتی از کسانی که تاکنون حکومت می‌کردند نیست و خود را اصلاح‌طلب نمی‌داند و ایده و زبان او نیز با اصلاح‌طلبان دهه هفتاد فرق کرده است. اگر اصلاح‌طلبان از اصلاحات دهه هفتاد دست برداشتند که به نظر اینگونه می‌رسد، این راه درستی است که در پیش گرفتند اما اگر کماکان می‌خواهند به ایده‌های اصلاح‌طلبی وفادار بمانند، نمتنها آقای پزشک‌کیان معرف این ایده نیست بلکه با فرض اینکه جلوی یکدست‌سازی حکومت را بگیریم هم ایده درستی نیست و به همین دلایل فکر می‌کنم هم صحنه انتخابات گواه رویکرد جدیدی نیست و هم حکومت نمی‌خواهد دست از اولویت خود بردارد و از نظر من برنده انتخابات کسانی بودند که در آن مشارکت نکردند.

اگر آن نگاه را به صورت آینده‌نگری داشتید، باید به مجلس نیز نگاه بهتری می‌داشتید چراکه آقای پزشک‌کیان و باهر کسی که قرار بود از این کاتال رد شوند، باید مجلس همراهی می‌کرد و شما چنین نگاهی به مجلس نداشتید. شما گفتید طیفی که شرکت نکردند اصلاً نیاز به تغییر را احساس نکردند، یا باور به اتفاق افتادن تغییرات ندارند. درباره ضرورت تغییرات و امکان این تغییرات لطفاً توضیح دهید.

عباس عبدی: فارغ از اعداد و ارقام، تحلیل آقای قاضیان درست است، مبنی بر اینکه انتخابات سه‌بازنیگر و نه‌دوبازنیگر داشت. من در طی انتخابات نیز همیشه تأکید داشتم رقیب آقای پزشک‌کیان، اصولگرایان حاکم نیستند، بلکه مردم هستند که نمی‌خواهند شرکت کنند. صندوق انتخابات در روز ۱۵ تیر بسته نشد و در آن همه جا باز است و همه کسانی که رای دادند، می‌توانند رای خود را بردارند. همه کسانی که رای ندادند هم می‌توانند رای خود را به این صندوق بیاندازند. به همین دلیل معتقدم این بازی ادامه دارد و بستگی به بازیگران آن دارد. بازیگران اصلی کسانی هستند که در انتخابات شرکت کردند و بخشی هم بازیگران حکومت و گروه دیگر کسانی هستند که شرکت نکردند و به نحوی نظاره‌گر هستند که چه اتفاقی در حال رخ دادن است. اما اینکه بگوییم سیستم سیاسی ایران قطعاً تغییر نمی‌کند، به نظر اینگونه نیست. اصولاً اینگونه نیست که سیستم‌ها تصمیم بگیرند چه کار کنند و تا پایان عمر خود بتوانند بر آن تصمیم بمانند، بسیاری از تصمیماتی که گرفته می‌شود، نتایجی کاملاً مغایر با هدفی که در نظر گرفته شده خواهند داشت. من به این نگاه نمی‌کنم که حکومت ایران دنبال چیست، نه اینکه بی‌تفاوت هستم، بلکه آن تعیین‌کننده تصمیم من و شما نیست، تصمیم ما آن چیزی است که خودمان دنبال آن هستیم و آن را منطقی و قابل تحقق می‌دانیم و باید ببینیم تغییرات اجتماعی ما را به کدام سمت